



درسهای منتشر نشده از شهید
حجة الاسلام والمسلمین دکتر باهنر

روانشناسی و جامعه‌شناسی



روانشناسی زن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

با توجه به مطالب بالا روانشناسی میتواند انواع و اقسام مختلفی داشته باشد مانند: روان شناسی کودک (که در خصائص و روحیات کودک بحث میکند، و باید دست آوردن خصلتهای روحی او، بهتر میتوانیم او را تربیت نمائیم) روانشناسی تربیت، روانشناسی رشد و

در گذشته بحث کوتاهی پیرامون روان شناسی دانشگاه را که رابطه با انقلاب و جمهوری

مهر، عاطفه، شهامت، ضعف و . . . چگونه به وجود می آید؟ در روانشناسی حالاتی مانند: زود رنجی، خشم، بی تفاوتی، تحرک مقاومت، و سایر آثار روحی مورد توجه قرار می گیرد تا با درک و شناخت این مسائل، بتوان راه تکامل و رشد و تربیت را بدست آورد. پس روانشناسی عبارت است از: تبیین حالات روانی و روابط این حالات و تأثیر آنها در یکدیگر و در بدن.

در روانشناسی در مورد اصل " روان " " حقیقت روح " و یا وجود و عدم آن، بحث نمی شود زیرا این مربوط به رشته فلسفه است (و ما هم در این مورد بحثی نداریم) بلکه در روانشناسی از روابط میان روح و جسم و روان و تن مورد نظر است. در روانشناسی است که باید معلوم شود نمود و اثر و بعدهای روح در رابطه با بدن چگونه است؟ حالات روان مانند: خشم،

اسلامی ما داشت مطرح کردیم ، اکنون بخشهایی از روان شناسی را مورد بررسی قرار میدهم که در انقلاب ما و جمهوری اسلامی ما اثر چشمگیر دارد :

برای شناخت زن ، ابتدا باید خصلت های روحی او را بشناسیم ، آنگاه " زن سنتی ایرانی " موضوع بحث واقع خواهد شد و سپس " زن در حوزه فرهنگ آریامهری " و بعد " زن در فرهنگ انقلاب اسلامی " .

زن و احساسات و عواطف

خصلتهایی ، در زن شکوفاتر از مرد است و کسی در این مسائل تردیدی ندارد مانند احساسات و عواطف که در زنان بسیار قوی است مانند : زود گریستن ، زود شاد شدن و

همچنین علاقه به خانه و فرزند ، در زن بیش از مرد است ، این حالت در پرندگان و حیوانات هم به طور طبیعی به چشم می خورد مثلا کبوتر ماده به تخمها و لانه اش عشق میورزد ، حیوان ماده ، در ایام بارداری و بعد از زایمان ، احساسات مخصوص به خود دارد ، و بالاخره بسیاری از احساسات و عواطف که در زن وجود دارد ، طبیعی است و احتیاج به ایجاد و پرورش ندارد .

ذوق هنری و احساس تعلق در زن

زن برای اینکه تمیز و زیبا جلوه کند علاقه دارد لباسهای رنگین و ظریف بپوشد و به دلربایی بپردازد ، و این معنی با وجود زن عجیب و آمیخته شده است و در کشورهای غربی و صنعتی با آن همه تبلیغات نتوانستند اند زن را از این هنرهای طبیعی کاملا جدا کنند بلکه زن همچنان زنانگی خود را حفظ کرده است و طبعاً هم شکلی با مرد ، برای او مطرح نیست .

زن به طور طبیعی احساس می کند که تعلق به مرد (همسر خود) دارد ، و این یک حالت طبیعی و روانی است که باید در پرتو آن ، زندگی دو همسر ادامه یابد . در جوامع صنعتی سعی کردند این حالت را نیز از بین ببرند و

به عنوان بالا بردن شخصیت زن خواستند شخصیت طبیعی زن را مسخ کنند ولی هرگز نتوانستند ، زیرا طبعاً این رابطه باید باشد تا زندگی خانواده مثل زندگی دو شریک یا نوکر و کارفرما نباشد بلکه پیوند عاطفی ، موجب انس و الفت و علاقه متقابل باشد ، این یک لطف الهی است .

مدیریت خانواده

پس از ازدواج و تشکیل خانواده ، به طور طبیعی مرد ، مدیر و رئیس خانواده میشود که " الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ " البته ناگفته پیداست که این سرپرستی بفاصله عنوان نیست که زن مهجور است و نیاز به قیم دارد بلکه مانند افرادی که فی المثل به عنوان شورای شهر انتخاب می شوند ، مدیریت مرد ، به عنوان همکاری است ، آنهم در محیط عاطفه علاقه ، مسئولیت ، نه زور و قلندری یا ضعف و زبونی . اما اینکه چرا چنین وضع پیش می آید که مرد مدیر و سرپرست می شود ؟ ، باز مربوط به خصلتهای زن و خصلتهای مرد می باشد .

جاذبه جنسی و آفت اجتماعی

ویژگی دیگری که برای زن هست ، جاذبه جنسی اوست ، با اینکه مرد و زن هر دو غریزه جنسی دارند ولی جاذبه و کشش بیشتر مربوط به زن می باشد ، که در اینجا نوعی قدرت برای زن به وجود می آید و نوعی نیاز برای مرد ، و در نتیجه حالتی برجذبه به عنوان رابطه متقابل در میان زن و مرد حاصل میشود در رابطه با این جاذبه جنسی است که نوعی آفت اجتماعی یعنی مسئله فساد جنسی مطرح می شود و استعمارگران با همین وسیله در بسیاری از مسائل سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی میتوانند نفوذ نمایند .

از این نقطه آفت می توانند جامعه ای را به فساد اخلاقی یا رکود فکری و عملی بکشانند و ملتی را بی تفاوت نگاه دارند و فرهنگ جامعه ای را وارونه نمایند ، نیاز کاذب و مصرف دروغین ایجاد کنند و

تعادل در پرتو ازدواج

عواطف بسیار زن ، و نیاز و قدرت جسمی و مدیریت مرد ، تعادل جالبی را در محیط خانه به وجود می آورد که به فرموده قرآن : " هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لِهِنَّ " آنان (زنان) پوشش برای شما هستند و شما نیز پوشش برای آنان هستید (سوره بقره آیه ۱۸۷) روابط دو زوج ، بر مبنای معیارهای ارزشی ، عاطفه ، مودت و . . . به وجود می آید و نیاز های طرفین ، تعادل زندگی را حفظ می کند و در عین حال ، شخصیت و موقعیت زن و مرد همچنان محفوظ است .

چنانچه یکی از زن و مرد ، یک جنبه حقوقی یا اجتماعی را داشت که دیگری نداشت ، این مربوط به هویت مخصوص اوست که خداوند او را در مجموعه خاصی کامل و بدون نقص آفریده و کمالش در این است ، و نباید با سایر موجودات مقایسه شود ، زیرا او خود موجودی متعالی است ، مثلاً زن ، موجودی کامل و بی نقص و مرد نیز موجودی کامل و بی نقص است مقایسه این دو با هم از نظر آفرینش و طبیعت اصلاً درست نیست .

زن و مرد ، در مجموع ، مانند دو گل هستند با دو پرنده زیبا ، که هر دو در سیر خود ، زیبا و برجاذبه و کامل هستند ، نباید گفت : زن نوسری خورده ، عقب افتاده ، ضعیف و . . . هست ، زیرا او با همه عواطف و احساسات و ظرافت ، با هویت انسانی کامل آفریده شده است و از جهت کمال در خلقت ، زن بودن مطرح است نه مقایسه با موجود دیگر ، زن بودن یک ضرورت انسانی و تاریخی است و جامع انسانی منهای زن ساقط خواهد بود ، و لذا قرآن مجید هر دو را به این صورت مستقل بیان می کند که :

الْمَخْلُوعِينَ وَالْمَخْلُوعَاتِ

وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ (۱)

ادوار سه گانه

در ایران می توانیم برای زن سه دوره قائل باشیم :

۱- زن سنتی :

در قرون اخیر، زن ایرانی، یک زن سنتی بود و خصائصی داشت مانند: ۱- خودنگه داری، عفت، پاکي، و دوری از مرد بیگانه ۲- تعلق به خانه: تمام وجودش برای خانه بود، و به خانه عشق می ورزید، و اگر کاری غیر از خانه داشت کارهای دستی بود که در خانه انجام می گرفت مانند: جوراب بافی، قالی بافی، خیاطی و... و اگر در مزرعه و باغ هم با شوهر خود همکاری داشت، در عین حال خانه داری کار مخصوص او بود.

۳- بیگانگی مطلق از مرد بیگانه.

۴- وابستگی و تعلق کامل به همسر، که هنوز اصطلاح "متعلقه" از آن دوره به یادگار مانده است. زن شهری در این دوره، از خدمات اجتماعی برکنار بود ولی در روستا

در خدمات نیز مانند: دامداری، کشاورزی باغداری، شریک بود و اصولاً در روستا آمیخته بود و همه جادوش به دوش مرد، فعالیت داشت زن در این دوره از جهت معلومات و سواد آموزی نیز محروم بود و زنان سواددار تنها می توانستند با خواندن قرآن آشنا باشند. زن سنتی گر چه مزایایی از قبیل پاکي و عفاف و عشق به خانه و خانه داری داشت ولی از جهت دیگر، تحقیر شده، عقب مانده و مشمول اصطلاح "ضعیفه" بود.

۲- در جامعه غرب زده:

بعد از زن سنتی می رسیم به زن در جامعه غرب زده، در پنجاه سال اخیر با نفوذ فرهنگ غربی، زن را یک موجود مصرفی بارآوردند و او را وسیله فروش کالاهای غرب قرار دادند،

لغابی از علم و تمدن! بر روی حقایق کشیدند و زن را به سوی اسارت و کالا شدن کشاندند، و از ذوق و ظرافت زن استفاده نامشروع کردند و تدریجاً او را به بی حجابی هم کشاندند تا بتوانند مصرفی بودنش را تثبیت کنند، زیرا زن سنتی با یک چادر می توانست خود را محفوظ نگه دارد ولی وقتی چادر کنار رفت، تنوع و جلوه دادن و حالات تجملش قهراً پیش می آید و لذا به مصرف کشیده می شود، به همین جهت، از این راه تدریجاً فسادجنسی را تبلیغ نمودند و در تبلیغ کالاها از وجود زن استفاده کردند.

برای اینکه در ملت، آمادگی برای تسلیم بوجود بیاورند، سعی کردند ملت را ضعیف کنند و در اینجا زن وسیله ترویج فساد شد،

انقلاب ما به زن شخصیت داد یعنی زن مثل يك عنصر در انقلاب از نو متولد شد انقلاب به او احساس مسئولیت داد الان زن و دخترها در جامعه نظر می دهند پر خاش می کند



زن آماده برای فساد و گرایش به مصرفی شدن گشت، به او تبلیغ کردند که آدم باید مستقل باشد و بدین ترتیب، او را در عین اسارت از تعلق به خانه و همسر، مستقل بار آوردند، تا کانون خانواده گسسته شود، لذا می بینید اختلاف و طلاق و فرار و نرسیدن به بچه ها، در میان زنان حقوق بگیر بیشتر بود.

البته در این پنجاه سال اخیر سواد و اشتغال در میان زنان بیشتر شده، ولی اشتغالی که او را به اداره متعلق کرد، نه به تولید؛ که از این راه باز مصرف روبراه شود؛ زیرا اشتغال اگر بر مبنای نیاز باشد بهر حال اشتغال است ولی اگر بر مبنای اصالت خود اشتغال بود، این فریب است و لذا می بینیم، حدود چهار صد هزار (۴۰۰۰۰۰) زن شاغل معمولاً کار غیر مفید انجام می دادند و غالباً بزرگ کرده بودند. در ظرف ده پانزده ساله اخیر، سعی می کردند برای خانمها پست به وجود بیاورند، البته کار مطرح نبود بلکه وضعی به وجود آورده بودند که زن از اینکه در خانه بماند، احساس حقارت می کرد، احساس می کرد اشتغال برای او شخصیت است بدین گونه شعارهای روانی و روحی نو برای زنان تحصیل کرده، ما درست شد و حضور او در جامعه بطور نسبی بیشتر شد، و همزمان، کالای مصرفی شد و به فساد گرایش پیدا کرد.

۳- زن در دوران انقلاب:

انقلاب ما به زن شخصیت داد، یعنی زن مثل یک عنصر در انقلاب از نو متولد شد انقلاب به او احساس مسئولیت داد، الان زن و دختر ما در جامعه نظر می دهد، برخاسته می کند، غصه می خورد، چون احساس مسئولیت می کند، بعکس گذشته و فرهنگ سابق که فکر و ذکرش این بود که آرایش کند و لباس بهتر بپوشد و خود آرائی کند و اشتغال داشته باشد این، تولد یک انسان تازه است که زن با مسائل اجتماعی و حوادث و مسائل انقلاب آشنا باشد چنانکه اشاره شد، زن الان در جامعه ما حضور دارد، در تظاهرات، راهپیماییها، سخنرانیها بسیج و... یعنی آن زن جدای از جامعه وارد جامعه شده اما با فرهنگ اسلامی و بدون

بی عفتی و فساد. بعکس گذشته، زن در جامعه انقلابی به تدریج از خصلت بی عفتی و تجمل پرستی کنار رفته، میزان مصرف لوازم آرایش به حدود یک پنجم رسیده است. در سه سال اخیر، درست در مقابل آن فرهنگ مصرفی لباسهای گرانقیمت تنزل کرده، کیفیت عروسبها و مهریهها تفاوت کرده و حتی خانمهای بزرگ و سنگین قیمت، در صورتی که همه می دانیم این گونه وسائل مصرفی و تجملی، هدف اصلی زنها بود، و برای آنها جاذبه نیرومندی داشت.

شرکت زن در حرکت های انقلابی

در راهپیماییها و تظاهرات دیدیم که گاهی تعداد زنان زیادتر از مردان بود در هیچیک از کشورهای اسلامی سابقه نداشته است که زنان در پوشش و با حفظ عفت اسلحه به دست بگیرند و پرخاش کنند و فریادکنند این، مخصوص انقلاب ما بود، انقلاب ما اثبات کرد که زن می تواند با حفظ عفت مبارزه کند. میزان گذشتهای زن، پول خرج کردن، وقت صرف کردن، به سراغ خانههای بیچارهها و شهدا و دیگران رفتن، به سرعت، انقلاب بالا رفت یعنی حضور زن در کارهای امدادی.

از مسائلی که اکنون زنان ما به آنها گرایش فراوانی پیدا کرده اند. مسئله فرهنگ و آموزش و پرورش است و باید از این مسئله استقبال کرد، چون ما اگر مثلاً ده میلیون دانش آموز داریم چهار میلیون دختر است و اینها احتیاج به معلم متعهد دارند و باید در آموزش آنان از خانمهای متعهد و مسئول استفاده کرد از دیگر مسائلی که زنها در جریان انقلاب به آن توجه پیدا کرده اند، امور درمانی و معالجه است. حتی در گرماگرم انقلاب، کلاسهای تشکیل شده بود و زنان مبارز، دورههای کوتاه مدت زیر نظر بعضی پزشکها و خانم پزشکهای مسئول و متعهد میدیدند تا بتوانند در کارهای درمانی شرکت کنند. باید از این مسئله نیز استقبال کرد و زنان علاقمند را تشویق کرد که بروند و یاد بگیرند، چه بهتر که همسر و بستگان، زیر دست یک پزشک

زن معالجه شوند، و علاوه بر این درمو، سههای امدادی و بنیادهای حمایتی وجودشان ضروری است.

از دیگر مسائلی که زنها پس از انقلاب به آن توجه پیدا کرده اند مسئله بسیج است، بر هر فرد مسلمانی لازم است، حالا دیگر روبروئی با دشمن عینیت پیدا کرده است و دشمن به میدان آمده است برای اینکه انقلاب را شکست بدهد و این ملت هم انقلاب کرده و به آن علاقه مند است، از این نظر لازم است در امر بسیج شرکت کند.

البته ما در تمام این امور یک اصل داریم و آن اصل "عفت" است و در هیچیک از مسائل اجتماعی اجازه نیست که حریم عفت شکسته شود یا زن بگونه حجابی داشته باشد که برخلاف اسلام باشد مثلاً اگر برجستگیهای بدن زن پیدا باشد یا حرکات وی تحریک آمیز باشد و امثال اینها تماماً ممنوع است چه در حال بسیج باشد یا سایر خدمات اجتماعی.

خلاصه آنکه حضور زنان در تمام امور اجتماعی به نحو چشمگیری دیده می شود چه سیاسی و چه آموزشی و چه امدادی، و همایشها زائیده احساس مسئولیت است، برخلاف فرهنگ آریامهری که زائیده مصرف بود، و به نظر من یکی از افتخارات بزرگ اسلام این نقش است که به زن داده شده و با کمال سر بلندی به دنیا اعلان می کنیم که تا دیروز که انقلاب اسلامی نبودن نقش و حضور نداشت در حالی که در انقلاب اسلامی زن نقش دارد در پیام امام هم ملاحظه کردید که می فرماید: ما احساس می کنیم که درهون قیام زنان هستیم، زن نقش اساسی داشت در پیروزی انقلاب، دنباله و فرعی نبود، الان هم در مسائل بارور کردن انقلاب و در کارهای اجتماعی نقش مؤثری دارد.

۱/۱۴

۱ - مردان خداترس و زنان خداترس.

مردان مسکین نواز و زنان مسکین نواز.

(سوره احزاب آیه ۳۵)